

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

اکبر نوروزی
۱۱ اگست ۲۰۲۲

سلطنت پهلوی، جایگزینی ارتجاعی برای جمهوری اسلامی است!

رضا پهلوی معروف به "نیم پهلوی" یکی از جیره خواران و سرسپردگان آلترناتیوهای امپریالیستی و از دشمنان قسم خورده انقلاب ایران، چندی است که با تبلیغات رسانه های امپریالیستی به عنوان جانشین رژیم جمهوری اسلامی مطرح و بار دیگر به روی صحنه آورده شده است. قصد آن است که از این طریق وابستگان به سلطنت و نیروهای ضد خلقی دیگر قادر گردند بر موج مبارزاتی انقلاب مردم سوار شوند تا شاید بتوانند به حیات سرمایه داری وابسته و گندیده در ایران چند صباحی بیشتر ادامه دهند. واقعیت این است که در طول حیات سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، هر زمان که توده های مبارز و انقلابی با مبارزات شجاعانه خود، رژیم ارتجاعی حاکم را به لبه پرتگاه کشانده اند، ما شاهد تلاش های مذبحخانه و ردیانه دشمنان رنگارنگ انقلاب مردم برای انحراف مبارزات مردمی بوده ایم.

از جمله مبارزات توده ای که ناقوس مرگ رژیم را به صدا در آورد مربوط به هفته های اخیر می باشد که بار دیگر کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و اقشار تهیدست و کم درآمد جامعه به دلیل بالا رفتن سرسام آور قیمت ها، علیه رژیم جمهوری اسلامی بپا خاستند. این ستمدیدگان همگی یک هدف مشترک دارند و آن رسیدن به نان، کار، مسکن، آزادی، دموکراسی و استقلال می باشد. در جریان مبارزات اخیر طبق خبرهای منتشر شده، سیل توده های مبارز و ستمدیده در ده ها شهر کشور از جمله رشت، بروجرد، اندیمشک، ایذه، چهارمحال بختیاری و شهرهای دیگر علیه رژیم منفور جمهوری اسلامی به خیابان ها آمدند. برخی از شعارهایی که در این اعتراضات فریاد زده شد، عبارتند از، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر اصل ولایت فقیه، جمهوری اسلامی نمی خواهیم، نمی خواهیم، مرگ بر خامنه ای. مردم مبارز و جان به لب رسیده در ادامه اعتراضاتشان با حمله به مراکز سرکوب و ستم و آتش زدن تصاویر خامنه ای جلاد، با هزار زبان گویا نشان دادند که خواستار از بین بردن سیستم فرتوت حاکم و وابسته به امپریالیسم و به وجود آوردن یک نظم نوین بدون وابستگی به امپریالیست ها هستند، امری که تنها با یک انقلاب اجتماعی در ایران امکان پذیر می باشد.

درست در شرایط اوج گیری مبارزات توده ها، همانطور که اشاره شد تبلیغات به نفع رضا پهلوی هم گسترش یافت. در تاریخ ۱۳ خرداد ۱۴۰۱ بر طبق سناریوی از قبل تنظیم شده، رضا پهلوی در یک نشست مطبوعاتی به یک سخنرانی کوتاه پرداخت و در ادامه به سوالات خبرنگاران رسانه های امپریالیستی در خارج کشور مانند ایران اینترنشنال، بی بی سی فارسی، من و تو و غیره پاسخ داد. در اینجا هر چند مختصر به بخشی از حرف های او که در حمایت از ارتش و

سپاه پاسداران یعنی دستگاه سرکوب و ابزار اصلی سلطه جمهوری اسلامی است می پردازیم تا ببینیم که رضا پهلوی چگونه می خواهد به قدرت برسد و چگونه می خواهد پس از رسیدن به قدرت آنرا حفظ کند.

می دانیم که ارتش جمهوری اسلامی همان ارتش شاهنشاهی یعنی ارتش زمان پدر این نیم پهلوی بود که پس از سقوط رژیم شاه فوراً اسلامی گشت، چرا که یکی از شروط به قدرت رساندن دار و دسته خمینی در کنفرانس گوادلوپ حفظ ارتش بود. بی دلیل نبود که خمینی شاید از همان ابتدای به قدرت رسیدنش همواره تأکید می کرد که "ارتش برادر ماست". دار و دسته خمینی پس از سقوط شاه خیلی زود نام ارتش را تغییر دادند تا با حذف کلمه "شاهنشاهی" از آن، خود آن ارتش را حفظ کنند. به این ترتیب ارتش شاهنشاهی، ارتش اسلامی شد و در اولین حرکت خود به کشتار خلق کرد پرداخت و نروز مردم سنندج را خونین نمود و بعدها نیز به دفاع از قتل و عام مردم روستاهای «قارنا»، «قهلان» پاوه و نقده پرداخت و در همه این سال ها به جنایاتش ادامه داد. به واقع در ۴۳ سال گذشته همه جنایات جمهوری اسلامی توسط همین ارتش و زوائدش انجام شده امری که باعث حفظ سلطه خونین جمهوری اسلامی گشته است.

نباید فراموش کرد که این ارتش در زمان رضا شاه بوسیله انگلیسی ها و بعد از آن امریکایی ها ساخته و پرداخته شد و قلابه اش همچنان در دست خونین همین استثمارگران و جنایتکاران می باشد. این همان ارتشی است که در سال ۱۳۲۵ در آذربایجان حمام خون به راه انداخت و در مدت کوتاهی هزاران نفر از مردم بی گناه و بی دفاع آذربایجان را قتل عام کرد. همین ارتش در سال ۱۳۵۲ با لشکر کشی به مردم ستمدیده عمان (در ظفار) آنان را به خاک و خون کشید. این همان ارتشی است که دیکتاتوری رضا شاه و پسرش محمد رضا شاه را حفظ و حراست می کرد و بعداً هدایتش به جمهوری اسلامی واگذار شد.

نیم پهلوی در صحبت های تلویزیونی اش در حمایت از ارتش جنایتکاران سخنانی گفت که به دو نمونه آن اشاره می کنیم، می گوید: اما سخنی کوتاه با ارتشیان ایران که همیشه فدائی ملت بودند و سپس تأکید می کند که "من به وطن پرستی شما باور دارم". جالب است کسی از وطن پرستی مزدوران ارتشی و سپاهی سخن می گوید که خود بر طبق اسناد منتشر شده حقوق بگیر سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) می باشد.

حال این سؤال مطرح است که رضا پهلوی چگونه می خواهد به قدرت برسد؟ بهتر است به جمله خودش در این زمینه اشاره کنیم. می گوید "بگذاریم این در یک سناریوی به دور از خشونت باشد. اولین علامت عدم خشونت، عدم تعرض و انتقام جویی و کینه جویی نسبت به نیروهای نظامی است". در جایی دیگر می گوید: "در زمان گذار آنچه که می تواند حداقل ضمانت یک ثبات در مملکت و تضمین یک امنیتی رو بکنه، همین نیروهای مسلح کشور هستند". به این ترتیب رضا پهلوی قصد دارد با تکیه بر همین "نیروهای نظامی" که هر روز برای حفظ جمهوری اسلامی جنایت می کنند و خشونت علیه مردم ایران را به حد اعلا رسانده اند، در یک سناریوی بدون خشونت به قدرت رسیده و به کمک "نیروهای مسلح کشور" که بقول وی "همیشه فدائی ملت بودند" رژیم خود را حفظ کند. ما فعلاً کاری به رؤیاهای پسر آخرین شاه ایران نداریم اما هر کسی با تفکر بر این امر که او چگونه می خواهد به قدرت برسد و چگونه می خواهد آن قدرت را حفظ کند فوراً متوجه می شود که در دولتی که با اتکاء به ارتش ضد خلقی موجود ساخته شود، هرگز در آن حرفی از آزادی و برابری و دموکراسی در بین نخواهد بود.

در بالا گفتیم که رضا پهلوی خود حقوق بگیر سیا می باشد. حال بگذارید به کتاب من و رضا که دنباله کتاب من و خاندان پهلوی نوشته احمد علی مسعود انصاری می باشد، اشاره کنم که در آن ارتباط رضا پهلوی را با سازمان جاسوسی ایالات متحده آمریکا (سیا) نشان می دهد. در قسمتی از کتاب چنین آمده است: "از صد و پنجاه هزار دلار که

ماهانه سازمان سیا پرداخت می کرد و به حسابی بنام پهلوی سوم «رضا پهلوی» ریخته می شد، برطبق توافق باید پنجاه هزار دلار به پرویز ثابتی، مقام امنیتی زمان محمد رضا شاه و شکنجه گر ساواک پرداخت می شد و بخشی هم که در کتاب به آن اشاره شده به نزدیکان رضا پهلوی تعلق می گرفت که همگی از حساب او حقوق دریافت می کردند. با این روش، افراد می توانند بگویند که از رضا پهلوی حقوق دریافت می کنند، نه از سازمان جاسوسی سیا". البته او در زمینه گرفتن کمک مالی از امپریالیست ها و سگ های زنجیریشان صراحت ویژه ای دارد. برای نمونه در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۱۷ در گفتگو با خبرنگار آسوشیند پرس می گوید: از کمک های هر کسی از جمله آمریکا، سعودی ها، اسرائیلی ها استقبال می کند. باید از وی پرسید آیا این کشورها محض رضای خدا قرار است به شما کمک مالی کنند؟

البته برای کسی که ارتشیان ایران را "همیشه فدائی ملت" خطاب می کند گرفتن کمک مالی از اربابان آن ارتش یعنی امپریالیسم آمریکا کار عجیبی نیست. وقتی کسی با بی شرمی هر چه تمامتر ارتشیان و سپاهیان که دستانشان به خون خلق آغشته گشته را فدائی ملت ایران می داند، بدیهی است که برای وی کمک مالی گرفتن از آمریکا هم که ارباب این ارتش می باشد نباید امر مذمومی تلقی شود. حتماً آمریکا هم ناجی ملت ایران است؟ اما این افاضات تنها نشان می دهد که او هنوز نمی داند که "فدائی ملت" به کسی یا کسانی گفته می شود که جان در راه آزادی ملت و خلق خویش می گذارد نه مزدورانی که به خاطر حقوقی که می گیرند علیه مردم جنایت می کنند. فدائی ملت یا فدائی خلق به انقلابیون و آزادیخواهانی گفته می شود که در سياهچال های رژیم های وابسته و ارتجاعی با مبارزه و مقاومت شان دست رد به سینه دشمنان خلق و جنایتکاران زدند. فدائیان خلق به انقلابیونی مانند گلسرخی و دانشیان گفته می شود که با مرگ آگاهانه شان در قلب مردم جاودانه شدند و انبوهی از جوانان و مردم را به مسیر مبارزه برای آزادی و دموکراسی با جانان و وابستگان کشاندند. فدائیان خلق کسانی نیستند جز مبارزین و کشته شدگان قیام های خونین ایران از جمله قیام های دی ماه سال ۹۶ و آبان سال ۹۸. آنها مبارزین از جان گذشته ای بودند که توسط همین ارتش و سپاه پاسدارانی کشته شدند که رضا پهلوی آنها را "فدائی ملت" می نامد. فدائیان خلق کسانی هستند که امروز در میدان های نبرد با دژخیمان جمهوری اسلامی سر آشتی و سازش ندارند و برای سرنگونی آن لحظه ای از پا نمی نشینند. این نیم پهلوی ظاهراً از مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی هم دفاع می کند. ولی این اوج ریاکاری و فریبکاری است که کسی ارتشی که جنایت می کند و مردم را می کشد را فدائی ملت بنامد و در همان حال به مبارزات جوانانی که در مقابله با جمهوری اسلامی و ارتش و دیگر نیروهای مسلح اش جان بر کف مبارزه می کنند ظاهراً ارج نهد.

حال بگذارید به جنایات شاه در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ هم اشاره کرده و یکی دیگر از شیوه های ریاکارانه نیم پهلوی را نشان دهم. در ۱۷ شهریور مردم سراسر ایران شاهد سرکوب وحشیانه و خونین ستمدیدگانی بودند که برای رهائی از شرایط ظالمانه ای که رژیم شاه در جامعه ایجاد کرده بود، به مبارزه برخاسته بودند. آیا رضا پهلوی جنایتکاران این رویداد خونین را فدائی ملت می داند؟ ادامه رویداد خونین ۱۷ شهریور، انقلاب ۱۳۵۷ را رقم زد. کشتار توده های تحت ستم در میدان ژاله آنقدر فجیع بود که پروانه آبراهمیان هم در کتاب "ایران بین دو انقلاب" درباره کشتار ۱۷ شهریور چنین می نویسد: "میدان ژاله شبیه جوخه اعدام شده بود. نظامیان مردمی را که بی حرکت ایستاده بودند روی زمین ریختند". این آشکارا نشان می دهد که ملتی توسط ارتشی که از نظر رضا پهلوی "همیشه فدائی ملت" بوده به خون کشیده شد. هیچ یک از این واقعیت ها، تاثیری روی نظر این مدعی مخالفت با جمهوری اسلامی مبنی بر پاسداران و ارتشیان فدائی ملت هستند، ندارد! چرا که او آگاهانه دست به تحریف وقایع تاریخی می زند. در جریان قیام دلاوران توده های جان به لب رسیده ایران در آبان ۹۸، نیم پهلوی ابراز داشت: "هم میهنان عزیز، شجاعت، همبستگی و تداومی

که شما هم میهنان، بویژه در یک ماه گذشته، با وجود سرکوب شدید و قطع اینترنت در شهر و استان های مختلف از خود نشان دادید برای شخص من یاد آور ایستادگی و مقاومتی است که ملت ایران در مقابل نیروهای صدام در جنگ هشت ساله از خود نشان داد". صرفنظر از این که او چنین سخنانی را در شرایطی می زد که نیروهای مسلح ضد خلقی که وی آنها را فدائی ملت می نامد، به کشتار همین مردم مشغول بودند، اما نکته جالب توجه این است که او مبارزات قهرمانانه توده ها چه در آبان ۹۸ و چه در دی ماه ۹۶ که آشکارا برای سرنگونی رژیم ضحاک جمهوری اسلامی بود را به مقابله با "نیروهای صدام در جنگ هشت ساله" تشبیه می کند. در حالی که اتفاقاً کارگران و زحمتکشان و تهیدستان در آبان ۹۸ (و همینطور در دی ماه ۹۶) علیه رژیم جمهوری اسلامی به میدان مبارزه آمده بودند و شعارهای آنها و از جمله مرگ بر جمهوری اسلامی بیانگر خواست سرنگونی رژیم ضحاک جمهوری اسلامی حاکم توسط این توده های انقلابی بود. بنابراین، این مبارزات دلاورانه، نه "جنگ هشت ساله" بلکه سرنگونی رژیم شاه سابق با شعار مرگ بر شاه در ۱۷ شهریور را یادآوری می کند، رویدادی که ادامه آن انقلاب ۱۳۵۷ را رقم زد.

نیم پهلوی در ادامه حرف هایش خطاب به مردم ستمدیده ایران می گوید: "شما به این آگاهی و خرد جمعی رسیده اید که بی کفایتی، فساد و نا کارآمدی جمهوری اسلامی فقط جان مردم یک شهر یا استان، یک قوم یا باور خاص را نمی گیرد بلکه همه ایرانیان را داغدار می کند". سپس با ردیف کردن کلماتی مانند بی کفایتی و فساد از نا کارآمدی جمهوری اسلامی که مردم را داغدار می کند سخن می گوید. با این حال او از فساد و دزدی های کلان دست اندرکاران رژیم که ذاتی جمهوری اسلامی است حرفی نمی زند. در حالیکه در رژیم غارتگر جمهوری اسلامی، دزدی و فساد از هم تفکیک ناپذیر می باشند و مردم در سیستم حاکم آنها را لازم و ملزوم هم می دانند. چرا نیم پهلوی دزدی های میلیاردی در جمهوری اسلامی را باز گو نمی کند؟ شاید به این خاطر که اگر از دزدی های بی پایان رژیم چپاولگر جمهوری اسلامی سخنی به میان بیاورد باید جوابگوی دزدی ها و غارتگری های خاندان پهلوی هم باشد. همان دزدی ها و غارتگری هایی که بخش بزرگی از آنها به ایشان که پسر بزرگ آن دیکتاتور می باشد، رسیده است.

در رابطه با مطلب فوق در اینجا بد نیست اشاره ای هر چند خیلی کوتاه به قسمتی از چپاول و دزدی آخرین شاه خاندان پهلوی بیندازیم که پس از مرگش به ورثه اش رسید و در تمامی این سال ها آنها با برخورداری از این غارت دسترنج مردم رنجیده در خارج از کشور در ناز و نعمت زندگی می کنند. آنها با پول های غارت شده از مردم ایران در حوزه های گوناگون سرمایه گذاری کرده و روز به روز شیره جان کارگران و زحمتکشان را می کشند و ثروت دزدیده شده را افزایش می دهند. آنگاه با بی شرمی برای فریب مردم و به انحراف کشاندن مبارزات توده ها از دمکراسی و آزادی سخن به میان می آورند. همانطور که می دانیم با مبارزات دلیرانه و به حق مردم ایران شاه دیکتاتور مجبور به فرار و واگذاری سلطنت گردید. شاه و اعضای خانواده اش با آگاهی به پایان سلطنت خود، تا آنجا که توان داشتند بخش زیادی از اشیای گرانبها، طلا و جواهرات را از ایران خارج کردند. در همین رابطه وزارت خارجه امریکا در سال های گذشته مبادرت به انتشار اسنادی کرده است که نشان می دهد که شاه خائن ثروت زیادی داشته و یکی از ثروتمندترین مردان جهان بوده است که اسناد آن در بایگانی وزارت خارجه امریکا موجود است. حال نگاهی به قسمتی از این اسناد که در پیام فدایی شماره ۲۵۴ با عنوان (نگاهی گذرا به وابستگی سلطنت پهلوی) درج شده می اندازیم.

بر اساس اسناد تاکنون منتشر شده محمد رضا پهلوی نزدیک به ۵۰ میلیون دلار در بانک تهران، ۱۸ میلیون دلار در بانک نیویورک و حداقل ۱۰۰ میلیون دلار در بانک های لندن ذخیره کرده بود. فعلاً به ذخایر وی در بانک های سوئیس کاری نداریم. همچنین وزیر دربار آن زمان شاه یعنی اسدالله اعلم در خاطرات خود چنین می نویسد: در آغاز عملیات خروج خاندان سلطنتی از کشور دستور بر چسب و مهر و موم کردن چمدان ها، بسته ها و صندوق های شاه که منقش

به آرم دربار سلطنتی بود صادر شد. تاج شاهنشاهی با سه هزار و ۳۸۰ قطعه الماس و ۵۰ قطعه زمرد و ۳۶۸ مروارید با وزن ۲ کیلو و ۸ گرم و از نظر قیمت غیر قابل تخمین و تاج ملکه با ۱۶۴۶ قطعه الماس در چمدان ها بسته شد. به گفته او فرح پهلوی دستور داد ۳۸۴ چمدان و صندوق بسته شود و یک تیم از افراد مورد تأیید وی جمع آوری و بسته بندی هر گونه عتیقه، جواهرات و الماس های گرانبها، ساعت های تمام طلا و تاج و نیم تاج های تمام زمرد را بر عهده داشتند. این گنجینه از جواهرات و عتیقه جات در مکان های امن کاخ نیاوران نگهداری می شد و همچنین مقامات دولتی ۱۳ میلیارد دلار ارز در دو ماه خارج کردند که نشان از غارت بزرگ در ایران توسط شاه دارد. تخمین غارت شاه از دارایی های مردم بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار می شود! همچنین شاه در سال ۱۳۵۰ یک جزیره در اسپانیا به مبلغ ۷۰۰ میلیون دلار خریداری کرده بود.

نا گفته پیداست که این ارقام مربوط به بیش از ۴۳ سال قبل می باشد و به حساب امروزی باید آنها را ده ها برابر کرد. بنابراین پر واضح است که امروز نیم پهلوی با آگاهی به دزدی و فساد خانواده اش چگونه مهر سکوت بر لب می زند. او می داند که اگر از دزدی های بی پایان رژیم چپاولگر جمهوری اسلامی سخنی به میان بیاورد باید جوابگوی دزدی ها و غارتگری های خاندان پهلوی باشد.

از دیگر اهداف و مقاصد پلید نیم پهلوی در صحبت های خود، جا زدن امپریالیست ها و از جمله امپریالیسم آمریکا به عنوان دوست و متحد مردم ایران می باشد. البته او می داند که جمهوری اسلامی را همین امپریالیست ها روی کار آوردند و در ۴۳ سال گذشته هم به رغم هیاهوهای ضد امپریالیستی سرمداران این رژیم، همین امپریالیست ها یار و مدکار وی بودند. برای اینکه مطلب زیاد طولانی نشود من تنها به یک مورد اشاره می کنم.

همگی به یاد داریم که در اوج قیام آبان ۹۸ و مبارزات بی امان مردم چگونه جمهوری اسلامی با قطع اینترنت شرایط سرکوب این مبارزات را تسهیل نمود. در همان زمان ایادی دولت آمریکا که فریبکارانه خود را مخالف جمهوری اسلامی و طرفدار به وجود آمدن آزادی و دموکراسی نشان می دادند اعلام کردند که امکان راه اندازی اینترنتی که جمهوری اسلامی قادر به از کار انداختن آن نباشد را دارند. اما در عمل چه شد؟ عملاً هیچ اقدامی در این زمینه نکردند. در عمل همچون همیشه اعضای دولت های سرمایه داری و مقامات کشوری شان به حمایت و پشتیبانی از رژیم تبهکار جمهوری اسلامی برخاستند و چهره عوامفریبانه خود را که گویا مخالف سرکوب، زندان و شکنجه و طرفدار به وجود آمدن آزادی و دموکراسی می باشند را بار دیگر افشاء کردند. یعنی در حرف با مردمی که جانشان از رژیم جمهوری اسلامی به لب رسانده همدردی و همدلی می کنند اما در عمل نیازهای رژیم دار و شکنجه را در به خون کشیدن جوانان، مردم و جنبش های انقلابی تسهیل و تضمین می کنند. مگر دولت ترامپ که بیشترین تحریم ها را علیه جمهوری اسلامی اعمال کرده بود، خود را مدعی آمادگی برای پشتیبانی از مبارزات مردم ایران نشان نمی داد اما در زمان قطع اینترنت به هیچ اقدامی دست نزد. بنابراین بزرگترین خیانت به مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی این است که امپریالیست هائی که در تمام این سال ها از این رژیم جنایتکار حمایت کرده اند را دوست و حامی مردم ایران جلوه دهیم و دست کمک به سوی آنها دراز کرده و بخواهیم با کمک آنها به قدرت برسیم.

البته روشن است که با بحرانی که امروز گریبانگیر رژیم فاسد جمهوری اسلامی می باشد و ناتوانی رژیم در جلوگیری از مبارزات رو به گسترش کارگران و توده های تحت ستم ایران، دشمنان مردم ایران در داخل و خارج کشور در آلترناتیوسازی های خود بر حجم تبلیغات مسموم به نفع رژیم شاه و طرفداران سلطنت بیافزایند. بی دلیل نیست که امپریالیست ها و نمایندگان قانون گذارشان و همچنین رسانه های خود فروخته ای مانند بی بی سی فارسی، صدای آمریکا، من و تو، ایران اینترنشنال و غیره آگاهانه برای آلترناتیوسازی، یکی از خوراک های تبلیغاتی شان، شعارهایی

چون "رضا شاه روح شاد" می باشد که به انحاء گوناگون آنرا برجسته و تبلیغ می کنند تا با انحراف مبارزات شجاعانه توده ها برای نان و آزادی و دموکراسی آنرا در جهت حفظ و نگهداری سیستم سرمایه داری وابسته در ایران کانالیزه نمایند.

نکته قابل تعمق در مورد شعارهایی مانند "رضا شاه روح شاد" که خیلی ها در ایران سر دادن آنرا به سپاه پاسداران نسبت می دهند در چارچوب پروژه آلترناتیوسازی استثمارگران، این است که اگر در جاهایی این شعار آگاهانه یا ناآگاهانه سر داده می شود، از سوی رسانه های وابسته به طور گسترده تری مدام تکرار و پخش می گردد تا این طور جلوه کند که گویا هزاران هزار تظاهر کننده بر طرفداری از نظام سلطنتی در ایران برخاسته اند. در صورتیکه چنین شعارهایی هیچگاه نه از سوی اکثریت کارگران و زحمتکشان، نه طبقات محروم و ستمدیده جامعه، نه گرسنگان، نه تهیدستان، نه کارتن خواب ها و نه ... سر داده نشده است. زیرا چنین شعارهایی با خاستگاه طبقاتی آنان هیچگونه تطابقی نداشته و نخواهد داشت.

واقعیت این است که مردم مبارز و تحت ستم ایران از انقلاب مشروطه تا کنون برای آزادی و دموکراسی مبارزه کرده اند و سلطنت و روحانیت از عوامل بازدارنده این اهداف بوده اند. این دو نهاد ارتجاعی در یک قرن گذشته دست در دست هم در استثمار، بهره کشی و سرکوب کارگران و زحمتکشان ایران سهیم بودند. مردم ایران تجربه رژیم شاه منفور و اکنون رژیم پلید جمهوری اسلامی را دارند، یقیناً اگر در فردای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی جلادان و دزدان نظام سلطنتی به قدرت برسند، کارگران و مردم ستمدیده هیچگاه به نان، مسکن، کار، آزادی، دموکراسی و استقلال دست نخواهند یافت چرا که اساس آزادی مردم در نابودی سیستم های سرمایه داری و ارتش ضد خلقی آن نهفته است که نظام سلطنتی مدافع آن است.

در خاتمه، امروز مردم مبارز ایران که در راه انقلاب قدم های بزرگی را بر داشته اند و دارای یک هدف مشترک هستند و آن سرنگونی قهر آمیز رژیم وابسته و دیکتاتور جمهوری اسلامی می باشد، هرگز نباید اجازه دهند که حاصل مبارزات آنها قدرت گیری مزدورانی همچون سلطنت طلبان باشد. این مزدوران هنوز به قدرت نرسیده "نیرو های مسلح کشور" یعنی قاتلان مردم ستمدیده را فدائی ملت جا زده و انکار نمی کنند که می خواهند با کمک همین ها به قدرت برسند. اما در تقابل چنین نظرات ضد مردمی، توده های انقلابی ایران نشان داده اند که خواهان نابودی پاسداران و ارتش ضد خلقی بوده و در قیام های خونین دی ۹۶ و آبان ۹۸ به دشمنان خلق ثابت کردند که از دست بردن به اسلحه و مبارزه مسلحانه بر ضد جنایتکاران حاکم هیچ شک و هراسی ندارند. با توجه به چنین زمینه مناسبی، کارگران و زحمتکشان در کنار روشنفکران راستین و رزمندگان باید خطر کنند و با بوجود آوردن گروه های سیاسی و نظامی، هم تشکل های انقلابی خود را حفظ و تحکیم کنند و هم در راهی که به نابودی دشمنان مردم و پیروزی کارگران و ستمدیدگان ختم خواهد شد گام بر داشته و حرکت کنند تا به پیروزی نهایی برسند. نباید فراموش کرد که تجربه نشان داده که مسأله اساسی هر انقلاب کسب قدرت سیاسی می باشد و هیچ طبقه و رژیمی نیز این قدرت را بدون مقاومت خونین ترک نخواهد کرد و آنرا به میل خود به طبقه انقلابی تحویل نمی دهد. پس طبقه کارگر برای از بین بردن و درهم شکستن ماشین دولتی حاکم، باید ارتش و نیروهای مسلح خودش را داشته باشد که این هم در جریان یک مبارزه مسلحانه علیه استثمارگران و مرتجعین حاکم به دست می آید.

نابود باد سلطه امپریالیسم! نابود باد نظام سرمایه داری وابسته در ایران!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!

تیر- سرطان- ۱۴۰۱

به نقل از: پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران شماره ۲۷۶، تیر ماه - سرطان- ۱۴۰۱